

بررسی فقهی و حقوقی ضرورت نظارت نامحسوس بر کارگزاران نظام

جهت مبارزه با فساد

سعید سیاه‌بیدی کرمانشاهی^۱، محسن کوهستانی^۲

اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

چکیده

نظارت بر کارگزاران یکی از ابزارهای پیشگیری و کنترل فساد و در نتیجه تعالی نظام اجتماعی است. پایین آمدن فساد باعث افزایش اعتماد عمومی به نظام و در مقابل افزایش فساد میان کارگزاران دولت موجب کاهش اعتماد عمومی و نیز از بین رفتن تمایل کارگزاران سالم به انجام دادن صحیح امور می‌شود. یکی از ابزارهای پیشگیری و کنترل فساد، نظارت نامحسوس بر کارگزاران نظام است. گرچه در لزوم و ضرورت چنین نظارتی تردیدی وجود ندارد، اما براساس یک شبهه فقهی به نام «منع تجسس» یا به تعبیر امروزی «منع تجاوز به حریم خصوصی»، نباید در امور دیگران تجسس کرد. حال این سؤال مطرح است که آیا با وجود حرمت فقهی تجسس در امور دیگران، می‌توان به صورت نامحسوس بر کارگزاران نظام نظارت کرد؟ پژوهش حاضر نشان می‌دهد حرمت فقهی تجسس در امور دیگران یک حکم اولیه است که چنانچه با مصلحت مهم‌تری نظیر حفظ نظام یا حفظ مقبولیت نظام در تعارض قرار گیرد، مصلحت مذکور به موجب «قاعده اهم و مهم»، مقدم بر ممنوعیت تجسس می‌شود؛ در نتیجه نظارت نامحسوس بر کارگزاران نظام امری مجاز و بلکه لازم خواهد بود.

واژگان کلیدی

نظارت، تجسس، اهم و مهم، فساد، حریم خصوصی، کارگزاران نظام



مقدمه

مسئله نظارت بر کارگزاران نظام از دیرباز دغدغه حاکمان صالح بوده است. حاکم جامعه باید بداند کارگزارانش با مردم چگونه رفتار می‌کنند. آیا روابط مالی صحیحی با افراد جامعه دارند؟ در کل آیا از پست و سمتی که به آنها واگذار شده است در راستای مصالح ملت استفاده می‌کنند یا در راستای مصالح خود؟ اگر حاکم جامعه چنین نظارتی بر کارگزاران خود نداشته باشد، به تدریج کارگزاران فاسد شروع به سوءاستفاده از سمت خود می‌کنند و باعث ظلم در حق مردم می‌شوند و کارگزاران عادل نیز انگیزه خود را برای اداره صحیح امور از دست می‌دهند. این مهم به روشنی نشان‌دهنده مصلحت نظارت بر کارگزاران است. بدین منظور طبیعتاً حاکم جامعه اسلامی باید به طور نامحسوس و بی‌آنکه کارگزاران متوجه شوند بر اعمال و رفتار آنها نظارت کند یا به عبارتی در امور کارگزاران تجسس کند. اما این امر با شبهه مشکل شرعی منع تجسس و تجاوز به حریم خصوصی مواجه است. این منع به عنوان حکم اولیه در همه موارد وجود دارد. از سوی دیگر، مطابق قاعده اهم و مهم که از قواعد موجد حکم ثانویه محسوب می‌شود، در مواردی که مصلحت مهم‌تری از منع تجسس وجود داشته باشد، مطابق قاعده اهم و مهم، حرمت منع تجسس برداشته می‌شود. حال لازم است بررسی شود که آیا تجسس از کارگزاران نظام دارای چنان مصلحتی است که بر حکم حرمت تجسس مقدم شود یا خیر؟

گفتنی است احکام ثانویه من باب اضطرار و رفع عسر و حرج و دفع ضرری موقت هستند تا رفع اضطرار؛ اما احکام حکومتی گسترده‌تر از احکام ثانویه هستند و ملاک آنها مصالح اجتماعی مسلمین و مصالح اسلام است. تشخیص مصالح و مفاسد و حصول اطمینان برای حاکم نیز برای جعل و ثبوت حکم آن کافی است. مجمع تشخیص مصلحت نظام با همین هدف به دستور امام تأسیس شد.

برای پاسخ به سؤال مقاله، ابتدا قاعده منع تجسس و تجاوز به حریم خصوصی مورد بررسی قرار می‌گیرد (بند نخست)؛ در ادامه قاعده اهم و مهم مطرح و مفاد و ادله آن بررسی می‌شود (بند دوم) و در پایان، مسئله ارتباط این دو قاعده با نظارت بر کارگزاران نظام تبیین می‌شود (بند سوم).



بند نخست: منع تجسس و تجاوز به حریم خصوصی

منع تجسس و تجاوز به حریم خصوصی از موضوعاتی است که هم در منابع اسلامی و هم توسط عقل بشری در جوامعی که قوانین آنها مبنای شرعی ندارد، مورد تأکید قرار گرفته است. در اینجا ابتدا به تلاش‌هایی که در حقوق نوین برای حمایت از حریم خصوصی صورت گرفته است، می‌پردازیم و در ادامه بحث شرعی منع تجسس را بررسی می‌کنیم.

۱. منع تجسس و تجاوز به حریم خصوصی در حقوق نوین

با آنکه واژه «حریم خصوصی» به طور مکرر در مباحث عرفی و علمی به کار می‌رود، اما تعریف و تلقی واحدی از آن وجود ندارد. این واژه برگردان واژه انگلیسی Privacy است که در معانی خلوت، تنهایی، پوشیدگی و اختفا به کار می‌رود. معنی لغوی این واژه کمک‌چندانی به شناخت ماهیت آن نمی‌کند.

تعریف حریم خصوصی دشوار است؛ زیرا مفهومی بسیار مبهم و شکننده است و حتی جدی‌ترین مدافعان حریم خصوصی باید اعتراف کنند مشکلاتی اساسی در تعریف ذات و قلمرو این حق وجود دارد (Solove, 2002: 1088-89). با این حال برخی صاحب‌نظران درباره این مفهوم تعاریفی ارائه داده‌اند. آلن وستین، استاد حقوق عمومی دانشگاه کالیفرنیا، می‌گوید حریم خصوصی را باید این‌گونه تعریف کرد: «حق افراد، گروه‌ها یا مؤسسات برای اینکه برای خود تعیین کنند در چه زمانی، چگونه و تا چه میزان، اطلاعات مربوط به آنها به دیگران قابل مخابره باشد. در قالب رابطه با مشارکت اجتماعی، حریم خصوصی عبارت است از روگردانی ارادی و موقت یک شخص از عموم جامعه با استفاده از وسایل فیزیکی یا روانی، خواه با قرار دادن خود در وضعیت تنهایی و انزوا و خواه در یک گروه کوچک و صمیمانه و خواه در حالت ناشناس ماندن یا خویش‌داری و تحفظ هنگامی که شخص در گروه بزرگ‌تری قرار دارد» (Westin, 1968: 8).

به‌رغم فقدان اتفاق نظر درباره ماهیت و قلمرو این نهاد، حمایت از حریم خصوصی به مرور در قوانین کشورها به رسمیت شناخته شد. با وجود آنکه حق حریم خصوصی به طور صریح در قانون اساسی ۱۹۵۸ فرانسه پیش‌بینی نشده است، در سال ۱۹۹۴ شورای قانون



اساسی اعلام کرد حق حریم خصوصی به طور ضمنی در قانون اساسی وجود دارد.^۱ بعد از این صور گوناگون این حق در قوانین متعددی مورد حمایت قرار گرفت. برخی از این قوانین عبارت‌اند از:

۱. قانون مربوط به پردازش داده‌ها، فایل‌ها و آزادی‌ها مصوب ۱۹۷۸؛^۲
 ۲. قانون مربوط به محرمانه بودن مکاتبات از طریق ارتباطات الکترونیکی مصوب ۱۹۹۱؛^۳
 ۳. قانون مربوط به امنیت روزانه مصوب ۲۰۰۱/^۴
- همچنین در ماده ۱۰ قانون درباره حقوق بنیادین آلمان بیان می‌دارد:
- «۱. محرمانه بودن مکاتبات، مراسلات پستی و مخابرات مصون از تعرض است.
۲. هر محدودیتی در این زمینه تنها می‌تواند به موجب قانون صورت گیرد. چنانچه محدودیتی برای حفظ مبانی نظام بنیادین آزاد و دموکراتیک یا در راستای کینونت یا حفظ دولت فدرال یا یکی از ایالت‌ها وضع شده باشد، قانون می‌تواند مقرر کند افراد مشمول این قانون مطلع نشوند و به جای راه‌های معمول رسیدگی قضایی، بررسی آن به نهادها یا هیئت‌های جایگزینی که از جانب نمایندگان مردم تعیین شده‌اند، سپرده شود.»^۵
- اصل ۱۰ قانون اساسی هلند نیز مقرر می‌دارد:
- «۱. هر کس حق دارد حریم خصوصی‌اش رعایت شود بدون آنکه لطمه‌ای به محدودیت‌های پیش‌بینی شده در قوانین وارد شود.
۲. قواعد حمایت از حریم خصوصی باید در قانون مربوط به ضبط و پخش داده‌های اشخاص پیش‌بینی شود.
۳. قواعد راجع به حق اشخاص نسبت به مطلع شدن از داده‌های ضبط‌شده راجع به آنها و

1 . For more information see: Décision 94-352 du conseil constitutionnel du 18 Janvier 1995.

2 . For more information see: Loi n° 78-18 du Janvier 1978 relative à l'anformatique, aux Fichiere et aux Libertés.

3 . For more information see: Loi n° 91-646 du 10 juillet 1991 relative au secret des correspondances émises par la voie des communications électroniques.

4 . For more information see: Loi n° 2001-1062 du 15 novembre 2001 relative à la sécurité quotidienne.

5 . Article 10:

(1) Das Briefgeheimnis sowie das Post- und Fernmeldegeheimnis sind unverletzlich.
 (2) Beschränkungen dürfen nur auf Grund eines Gesetzes angeordnet werden. Dient die Beschränkung dem Schutze der freiheitlichen demokratischen Grundordnung oder des Bestandes oder der Sicherung des Bundes oder eines Landes, so kann das Gesetz bestimmen, daß sie dem Betroffenen nicht mitgeteilt wird und daß an die Stelle des Rechtsweges die Nachprüfung durch von der Volksvertretung bestellte Organe und Hilfsorgane tritt.



استفاده‌ای که از آن داده‌ها می‌شود و حق تصحیح آن داده‌ها باید در قوانین پیش‌بینی شود.^۱
 اصل ۱۳ قانون اساسی سوئیس مقرر می‌دارد:

۱. همه اشخاص مستحق برخورداری از احترام نسبت به زندگی خانوادگی، منزل، مرسولات پستی و ارتباطات از راه دور هستند.

۲. همه حق دارند در برابر سوءاستفاده‌های شخصی آنها مورد حمایت قرار گیرند.^۲
 در حقوق ایران نیز می‌توان نشانه‌هایی از حمایت از حریم خصوصی یافت؛ از جمله این موارد عبارت‌اند از:

۱. اصل بیست و دوم قانون اساسی: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.»

۲. اصل بیست و سوم قانون اساسی: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذة قرار داد.»

۳. اصل بیست و پنجم قانون اساسی: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.»

۴. ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی- بخش تعزیرات: «هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی، مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده حسب مورد مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع نماید یا بدون اجازه صاحبان آنها مطالب آنها را افشا نماید به حبس از یک سال تا سه سال یا جزای نقدی از شش تا هیجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.»

1 . Article 10:

- (1) Everyone shall have the right to respect for his privacy, without prejudice to restrictions laid down by or pursuant to Act of Parliament.
- (2) Rules to protect privacy shall be laid down by Act of Parliament in connection with the recording and dissemination of personal data.
- (3) Rules concerning the rights of persons to be informed of data recorded concerning them and of the use that is made thereof, and to have such data corrected shall be laid down by Act of Parliament.

2 . Article 13:

- (1) Toute personne a droit au respect de sa vie privée et familiale, de son domicile, de sa correspondance et des relations qu'elle établit par la poste et les télécommunications.
- (2) Toute personne a le droit d'être protégée contre l'emploi abusif des données qui la concernent.

۵. ماده ۴۴۸ قانون مجازات اسلامی- بخش تعزیرات: «اطبا و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند هر گاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند.»

۶. ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی- بخش تعزیرات: «هر گاه کسی دیگری را به هر نحو به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی یا به افشای سری نسبت به خود یا بستگان او تهدید نماید، اعم از اینکه به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد به مجازات شلاق تا «۷۴» ضربه یا زندان از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.»

۷. قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مقرر می‌دارد:
«از تاریخ تصویب این قانون، کلیه محاکم عمومی، انقلاب و نظامی دادسراها و ضابطان قوه قضاییه مکلف‌اند در انجام وظایف قانونی خویش موارد ذیل را به دقت رعایت و اجرا کنند. متخلفین به مجازات مندرج در قوانین موضوعه محکوم خواهند شد:

...

۸. بازرسی‌ها و معاینات محلی برای دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم براساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آنها خودداری گردد.

...

۱۱. پرسش‌ها باید مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیر مؤثر در پرونده مورد بررسی احتراز شود.

...

۱۴. از دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیای ضبطی و توقیفی متهمان اجتناب نموده و در اولین فرصت ممکن یا ضمن صدور حکم یا قرار در محاکم و دادسراها نسبت به اموال و اشیای



تعیین تکلیف گردد و مادام که نسبت به آنها اتخاذ تصمیم قضایی نگردیده است، در حفظ و مراقبت از آنها اهتمام لازم معمول گردیده و در هیچ موردی نباید از آنها استفاده شخصی و اداری به عمل آید.»

ضمانت اجرای این قانون در ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ آمده است: «در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵» از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۴/۴ محکوم می‌شوند، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد.»

۸. مواد ۱۴ و ۱۵ ذیل بند دوم از فصل سوم قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، ذیل عنوان «حمایت از حریم خصوصی»:

«ماده ۱۴: چنانچه اطلاعات درخواست شده مربوط به حریم خصوصی اشخاص باشد یا در زمره اطلاعاتی باشد که با نقض احکام مربوط به حریم خصوصی تحصیل شده است، درخواست دسترسی باید رد شود.

ماده ۱۵: مؤسسات مشمول این قانون در صورتی که پذیرش درخواست متقاضی متضمن افشای غیرقانونی اطلاعات شخصی درباره یک شخص حقیقی ثالث باشد، باید از در اختیار قرار دادن اطلاعات درخواست شده خودداری کنند، مگر آنکه:

الف) شخص ثالث به نحو صریح و مکتوب به افشای اطلاعات راجع به خود رضایت داده باشد.

ب) شخص متقاضی، ولی یا قیم یا وکیل شخص ثالث، در حدود اختیارات خود باشد.
ج) متقاضی یکی از مؤسسات عمومی باشد و اطلاعات درخواست شده در چارچوب قانون مستقیماً به وظایف آن به عنوان یک مؤسسه عمومی مرتبط باشد.»

۹. ماده ۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری: «افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه‌دیده، شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده توسط ضابطان دادگستری، جز در مواردی که قانون معین می‌کند، ممنوع است.»

۱۰. ماده ۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری: «ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آنها، همچنین بازرسی اشخاص و اشیا در جرایم غیرمشهود با اجازه موردی مقام قضایی است، هر چند وی اجرای تحقیقات را به طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد.»

۱۱. ماده ۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری: «ضابطان دادگستری مکلف اند طبق مجوز صادره عمل و از بازرسی اشخاص، اشیا و مکان‌های غیرمرتبط با موضوع خودداری کنند.»

۱۲. ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری: «کنترل ارتباطات مخابراتی افراد ممنوع است، مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد یا برای کشف جرایم موضوع بندهای «الف»، «ب»، «پ» و «ت» ماده «۳۰۲» این قانون لازم تشخیص داده شود. در این صورت با موافقت رئیس کل دادگستری استان و با تعیین مدت و دفعات کنترل، اقدام می‌شود. کنترل مکالمات تلفنی اشخاص و مقامات موضوع ماده «۳۰۷» این قانون منوط به تأیید رئیس قوه قضاییه است و این اختیار قابل تفویض به سایرین نیست.

تبصره ۱: شرایط و کیفیات کنترل ارتباطات مخابراتی به موجب مصوبه شورای عالی امنیت ملی تعیین می‌شود.

تبصره ۲: کنترل ارتباطات مخابراتی محکومان جز به تشخیص دادگاه نخستین که رأی زیر نظر آن اجرا می‌شود یا قاضی اجرای احکام ممنوع است.»

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در قوانین فعلی جمهوری اسلامی گرچه نام «حریم خصوصی» آمده است (قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات) و در قوانین متعدد به نحو پراکنده‌ای از مظاهر آن حمایت شده، اما هیچ‌گاه تعریف نشده و حدود و ثغور آن مشخص نشده است. با هدف حل این خلأ تلاش‌هایی برای قانون‌گذاری صورت گرفته است؛ در تاریخ ۱۳۸۴/۵/۱۶ «لایحه حمایت از حریم خصوصی» در مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شد؛ اما به هر دلیل این لایحه در تاریخ ۱۳۸۵/۱/۱۶ مسترد گردید. مجدداً در تاریخ ۱۳۸۵/۴/۷ «طرح حمایت از حریم خصوصی» اعلام وصول شد؛ اما کماکان خبری از تصویب آن نشده است. در این طرح در بند ۱ از ماده ۲ در خصوص تعریف حریم خصوصی آمده است: «حریم خصوصی قلمرویی از زندگی هر شخص است که آن شخص عرفاً یا با اعلان قبلی در چارچوب قانون، انتظار دارد تا دیگران بدون رضایت وی به آن وارد نشوند یا بر آن نگاه یا نظارت نکنند یا به اطلاعات راجع به آن دسترسی نداشته یا در آن



قلمرو وی را مورد تعرض قرار ندهند. جسم، البسه و اشیای همراه افراد، اماکن خصوصی و منازل، محل‌های کار، اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی با دیگران حریم خصوصی محسوب می‌شوند.»

با توجه به آنچه گذشت، مطابق قوانین فعلی کشور ما «نظریه عمومی حمایت از حریم خصوصی» وجود ندارد؛ لذا در بحث «منع تجسس و حمایت از حریم خصوصی» یا نه لازم است مدارک و مستندات فقهی این مهم مورد بررسی قرار گیرد.

۲. منع تجسس و تجاوز به حریم خصوصی در منابع فقهی

درباره ادله لزوم رعایت حریم خصوصی، به آیات و روایات متعددی استناد شده است (فرخی و مسعودیان، ۱۳۹۱: ۸۷-۱۰۰) که در ادامه به اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرد. برخی مؤلفین (انصاری، ۱۳۸۳: ۱۳) معتقدند در آیات و روایات اسلامی رایج‌ترین اصطلاحاتی که درباره حریم خصوصی به کار رفته‌اند، به شرح زیر هستند:

۱. ممنوعیت تجسس و تحسس و تفتیش؛

۲. ممنوعیت سوءظن؛

۳. ممنوعیت سب و هجو و قذف؛

۴. ممنوعیت نیمه و غیبت؛

۵. ممنوعیت تنافس؛

۶. ممنوعیت خیانت در امانت؛

۷. ممنوعیت استراق سمع؛

۸. ممنوعیت استراق بصر؛

۹. ممنوعیت ورود به منازل بدون استیذان؛

۱۰. ممنوعیت اشاعه فحشا.

از میان موارد یادشده برخی با مسئله‌ای که این نوشتار بررسی می‌کند ارتباط مستقیمی ندارند؛ بنابراین در ادامه مواردی بررسی می‌شوند که با بحث تعارض اقدامات برای کشف و ممنوعات شرعی ارتباط دارند.

«تجسس» در لغت و عرف به معنای «جست‌وجو از درون امور» است. در لسان العرب

آمده است: «قال اللحياني: تجسست فلانا و من فلان بحث عنه كتحسست» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۸). لحياني می‌گوید: «تجسست فلانا و من فلان»؛ یعنی درباره او جست‌وجو کردم همانند «تحسست». ظاهر این سخن نشان می‌دهد میان معنای لغوی «تجسس» و «تحسس» تفاوتی نیست (خرازی، بی‌تا: ۵۲).

در کتاب مقایس اللغه در ارتباط با معنای «جس» آمده است: «هو تعرّف الشيء بمسّ لطيف، و الجاسوس فاعول من هذا؛ لأنه يتخبر ما يريد به خفاء و لطف» (ابوالحسين، ۱۴۰۴: ۴۱۴). «جس» شناخت چیزی با دریافت نامحسوس و ظریف است. جاسوس- بر وزن فاعول- نیز از همین باب است؛ زیرا او هر خبری را که بخواهد به آرامی و بی‌سر و صدا به چنگ می‌آورد (خرازی، بی‌تا: ۵۳).

تحسس نیز به لحاظ معنایی، با تجسس مشابهت دارد. در لسان العرب آمده است: «قيل: التجسس بالجيم أن يطلبه لغيره وبالحاء، أن يطلبه لنفسه. وقيل: بالجيم البحث عن العورات وبالحاء الاستماع. وقيل: معناهما واحد في تطلب معرفة الاخبار» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۸). جاسوس یعنی آن کس که در جست‌وجوی خبرهاست، همانند جاسوس، یا آن که جاسوس در کسب خبر، نیت خیر دارد، اما جاسوس نیت شر و فتنه. برخی گفته‌اند: در «تجسس» جاسوس خبر را برای دیگری می‌خواهد، اما جاسوس خبر را برای خود می‌خواهد. برخی دیگر گفته‌اند: «تجسس» جست‌وجوی عیوب است و «تحسس» گوش فرا دادن و نیز گفته شده است: هر دو به يك معنا به کار می‌روند: اخباریابی (خرازی، بی‌تا: ۵۴). برخی مؤلفین چنین نتیجه گرفته‌اند که در هر صورت، از مجموع سخن و آرای اهل لغت به دست می‌آید که تجسس به معنای کاوش و جست‌وجوی خبرهاست و انگیزه این کاوش، در صدق مفهوم تجسس دخالتی ندارد. به این ترتیب، غرض و هدف از تجسس هر چه باشد (خوب یا بد) در صدق مفهوم تجسس تفاوتی ایجاد نمی‌کند. انگیزه خیر اگر دخالتی هم داشته باشد، تنها در نفی حکم (حرمت) است نه در صدق موضوع (تجسس) (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۶).

تا اینجا مفهوم تجسس و لایشرط بودن آن نسبت به انگیزه مشخص شد؛ اما باید دانست از حیث کیفیت انگیزه، تجسس به چند قسم منقسم می‌شود. تجسس از این نظر که دربردارنده مصالح است یا خیر، بر چند قسم است:

الف) به صرف آگاهی از احوال اشخاص و بدون انگیزه عقلایی انجام شود.



ب) با نیتی فاسد چون هتک، پراکندن فحشا و آزدن مؤمنان انجام گیرد.

ج) با قصد و انگیزه‌ای سالم صورت پذیرد که خود به دو قسم منشعب می‌شود:

نخست، غرض و هدفی لازم و ضروری در میان باشد، مانند حفظ حکومت در قبال رخنه کافران و منافقان، جلوگیری از گسترش انواع فساد اجتماعی، اخلاقی، ظاهری یا مالی، برطرف کردن زمینه‌های گمراهی و انحراف از جوامع اسلامی، آگاهی از چگونگی کارکرد کارگزاران حکومت، با خبر شدن از وجود اختلاس و ارتشا، آگاهی از وضعیت نیروها و تجهیزات دشمن و مواردی از این دست.

دوم، هدفی راجح و با ارزش (غیر لازم) در میان باشد مانند یافتن افراد صلاحیت‌دار برای اعطای مناصب شایسته به آنها، آگاهی از دانش‌های روز، به دست آوردن میزان رضایت عمومی از نحوه اداره امور، کشف نیازهای اجتماعی و نظایر آن (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۷-۵۶).

با توجه به اقسام تجسس، لازم است حکم فقهی هر یک از این اقسام استخراج شود. آیه ۱۲ سوره حجرات می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا». این آیه بر حرمت تجسس دلالت دارد (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۹۸). علاوه بر این آیه، روایات متعددی بر حرمت این عمل دلالت دارند از جمله:

الف) «فِي عِقَابِ الْأَعْمَالِ بِإِسْنَادٍ تَقَدَّمَ فِي بَابِ عِيَادَةِ الْمَرِيضِ (۵)» عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص أَنَّهُ قَالَ فِي خُطْبَةٍ لَهُ: ... مَنْ مَسَى فِي عَيْبِ أَخِيهِ وَ كَشَفَ عَوْرَتَهُ - كَانَتْ أَوَّلَ خُطْوَةٍ خَطَاَهَا وَ ضَعَهَا فِي جَهَنَّمَ وَ كَشَفَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ عَلَى رُءُوسِ الْخَلَائِقِ» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۸۶). در کتاب «عقاب الاعمال» به نقل از ابن عباس آمده است: رسول خدا در آخرین خطبه‌ای که در مدینه ایراد کردند، فرمودند: «هرکس در راه جست‌وجوی عیوب و کشف لغزش‌های برادرش گام نهد، پای در آتش دوزخ گذاشته است و خداوند عیوب او را بر همگان آشکار خواهد کرد» (خرازی، بی‌تا: ۶۱).

ب) «أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ إِذَا رَأَيْتُمُ الْعَبْدَ مُتَّقِدًا لِذُنُوبِ النَّاسِ نَاسِيًا لِذُنُوبِهِ - فَأَعْلَمُوا أَنَّهُ قَدْ مُكْرَبَ بِهِ» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۹۲). در سرائر به نقل از ابو عبدالله سیاری از امام صادق (ع) آمده است: «هرگاه بنده‌ای را یافتید که در پی گناهان مردم است و گناهان خویش را از یاد برده، بدانید که سخت فریفته شده است. روشن است که شخص سرکش و طغیانگر سزاوار مکر خدای متعال است» (خرازی، بی‌تا: ۶۱).



ج) حضرت علی (ع) خطاب به مالک اشتر فرمود: «وَلْيَكُنْ أَبْعَدَ رَعِيَّتِكَ مِنْكَ وَ أَشْنَأَهُمْ عِنْدَكَ أَطْلُبُهُمْ لِمَعَايِبِ النَّاسِ فَإِنَّ فِي النَّاسِ عُيُوبًا أَلْوَالِي أَحَقُّ مَنْ سَتَرَهَا فَلَا تَكْشِفَنَّ عَمَّا غَابَ عَنْكَ مِنْهَا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ تَطْهِيرُ مَا ظَهَرَ لَكَ وَاللَّهُ يَحْكُمُ عَلَيَّ مَا غَابَ عَنْكَ فَاسْتُرِ الْعَوْرَةَ مَا اسْتَطَعْتَ يَسْتُرِ اللَّهُ مِنْكَ مَا تُحِبُّ سَتْرَهُ مِنْ رَعِيَّتِكَ» (سیدرضی، ۱۴۱۴: ۳۶۹): «باید دورترین مردم از تو و مبعوض‌ترین آنان نزد تو کسی باشد که پیوسته در پی عیوب مردمان است؛ چه آنکه در مردم لغزش‌هایی وجود دارد که حاکم از هرکس دیگر به پوشانیدن آنها سزاوارتر است. پس در جست‌وجوی امور پنهان مباش. وظیفه تو پاک کردن ظواهر است و این پروردگار است که بر هر آنچه از تو نهان است حکم می‌کند. پس تا آنجا که می‌توانی عیب را بپوشان تا خداوند نیز آنچه را دوست می‌داری از مردم مخفی بماند، بپوشاند.» نهی در روایت، حرمت را می‌رساند (خرازی، بی‌تا: ۶۲).

د) قرطبی از پیامبر اکرم نقل می‌کند: «إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ وَ لَا تَحْسَسُوا وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا تَنَاجَشُوا وَ لَا تَحَاسَدُوا وَ لَا تَبَاغَضُوا وَ لَا تَدَابَرُوا وَ كُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِيَّاهُمْ» (القرطبی، ۱۴۰۵: ۳۳۱): «از گمان پرهیزید؛ زیرا گمان، سخن را در گرداب دروغ می‌افکند. از کنجکاوای و پاییدن یکدیگر پرهیزید؛ از حال کسی تفتیش مکنید؛ از یکدیگر تعریف و تمجید مکنید؛ بدخواه یکدیگر نباشید؛ کینه یکدیگر را به دل مگیرید؛ به هم پشت نکنید و با بندگان خدا برادروار زندگی کنید» (خرازی، بی‌تا: ۶۳).

ه) «إِنَّكَ إِنْ اتَّبَعْتَ عَوْرَاتِ النَّاسِ أَفْسَدْتَهُمْ أَوْ كَدَّتْ أَنْ تَفْسُدَهُمْ» (القرطبی، ۱۴۰۵: ۳۳۳): «چنانچه تو به دنبال عیوب مردم باشی، آنان را تباه ساخته‌ای یا در پرتگاه تباهی افکنده‌ای. روشن است که تباه ساختن جامعه اسلامی در زمره زشت‌ترین حرام‌هاست» (خرازی، بی‌تا: ۶۳).

و) مُحَمَّدٌ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «أَبْعَدُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ يُؤَاجِحِي الرَّجُلَ وَ هُوَ يَحْفَظُ زَلَّاتِهِ فَيَعْبُرُ بِهَا يَوْمًا مَا» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۷۴): «محمد بن یعقوب از امام صادق (ع) نقل کرده است که فرمود: «دورترین حالت بنده از خدای خویش آن است که با هم‌نوع خود پیمان برادری بندد و لغزش‌های او را در ذهن بسپارد تا روزی، به سبب آنها، وی را نکوهش کند.» این روایت شامل قسم اول نمی‌شود؛ زیرا به «انگیزه فاسد» مقید



شده است. افزون بر این، نگاهداری لغزش‌هایی که به واسطه عقد اخوت با آنها روبه‌رو شده است، به معنای تجسس مورد بحث ما نیست مگر ادعا شود به سبب اولویت، تجسس را نیز در برمی‌گیرد» (خرازی، بی‌تا: ۶۰).^۱

با توجه به روایاتی که بیان شد و روایات مشابه آن، برخی چنین نتیجه گرفته‌اند که این روایات برای دلالت بر حرمت تفتیش، در قسم اول و دوم کافی است؛ بلکه به مقتضای مطالبی که گذشت که در صورت وجود غرض صحیح نیز، تجسس صدق می‌کند. ادله و روایات پیشین، قسم سوم و چهارم را نیز در برمی‌گیرد (خرازی، بی‌تا: ۶۶).

البته ممکن است برخی چنین بگویند که سیاق و چینش آیه‌ای که دال بر حرمت تجسس است نشان می‌دهد حرمت، تنها در جایی است که اغراض فاسد در کار باشد؛ زیرا آیه مد نظر پیش از بیان حرمت تجسس، بر حرمت ریشخند و عیب‌جویی دلالت دارد و اینکه نام‌های بد بر یکدیگر گذاشتن و بدگمانی موجب دشمنی و اختلاف می‌شود؛ اما در پاسخ می‌توان گفت آنچه معتبر شمرده می‌شود، اطلاق حکم وارد است و خصوصیت «مورد» نقشی ندارد. افزون بر این، ادله، منحصر به آیه کریمه نیست؛ بنابراین در حالی که سایر ادله از اطلاق برخوردارند، عدم اطلاق آیه [به حکم حرمت] خدشه‌ای وارد نمی‌کند. از این رو تجسس به خودی خود و به طور کلی حرام است (خرازی، بی‌تا: ۶۶).

تا اینجا مشخص شد همه اقسام تجسس، صرف‌نظر از وجود یا نبود انگیزه و غرض صحیح، به عنوان حکم اولیه، حرام است؛ اما باید دید استثنائات این حکم چیست؟ به عبارت دیگر در صورت وجود مصلحتی مهم‌تر آیا مصلحت مذکور بر حکم اولیه تجسس، مقدم می‌شود یا خیر؟

این مسئله پذیرفته شده است که در مقام تراحم دو حکم، در وهله نخست، قاعده اهم و مهم جریان خواهد یافت. قانون اهم و مهم به اسلام يك خاصیت جاویدان داده است که

۱. علاوه بر روایات ذکرشده، در متن روایات دیگری نیز دال بر مذمت تجسس وجود دارد هرچند نتوان حکم حرمت را از آنها استخراج کرد نظیر:

«عَلَيْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْ أَبِيهِمْ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ أَوْ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَا تَطْلُبُوا عَثْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنَّ مَنْ تَتَبَعَ عَثْرَاتِ أَخِيهِ تَتَبَعَ اللَّهُ عَثْرَاتِهِ وَ مَنْ تَتَبَعَ اللَّهُ عَثْرَاتِهِ يَفْضَحْهُ وَ لَوْ فِي جَوْفِ بَيْتِهِ». «درباره لغزش‌های مؤمنین تجسس و جست‌وجو نکنید، چون هر کس لغزش‌های برادران مؤمن خود را پی‌جویی و تجسس کند، خداوند نیز لغزش‌های او را پی‌جویی خواهد کرد و چنین کسی را خداوند بی‌آبرو خواهد ساخت، هر چند درون خانه‌اش باشد». روایت دیگری با مضمونی مشابه نقل شده است که بیان می‌دارد: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: «لَا تَطْلُبُوا عَثْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ؛ فَإِنَّ مَنْ تَتَبَعَ عَثْرَاتِ أَخِيهِ، تَتَبَعَ اللَّهُ عَثْرَاتِهِ؛ وَ مَنْ تَتَبَعَ اللَّهُ عَثْرَاتِهِ، يَفْضَحْهُ وَ لَوْ فِي جَوْفِ بَيْتِهِ».

باعث انعطاف دستورهای اسلام می‌شود و چنانچه شخص در مقابل دو دستور از دستورهای دین قرار گیرد و در آن واحد نتواند هر دو را اطاعت کند، باید آن را که اهمیت کمتری دارد فدای آنکه اهمیت بیشتری دارد بکند (مطهری، بی تا: ۱۴۱).

در بحث آتی به تفصیل بیان خواهد شد که به موجب این قاعده که ادله اربعه بر آن دلالت دارند (شیرازی، ۱۴۱۳: ۱۴۱) در مواردی که نسبت بین دو حکم متزاحم (شاهرودی، ۱۴۲۶: ۴۵۶) اهم و مهم است، عمل به حکم اهم بر مکلف متعین است (شاهرودی، ۱۴۲۶: ۴۵۶) و مهم‌تر بودن یکی از دو حکم از مرجحات احکام محسوب می‌شود (مشکینی، ۱۴۱۶: ۱۰۹).

از همین رو برخی محققان درباره موضوع بحث بیان کرده‌اند بسا امور دیگری مانند حفظ نظام، نجات جان انسان‌ها، مداوای بیمار و مانند آنها با حکم تجسس تراحم پیدا می‌کند که اهمیت آنها از حرمت نقتیش بالاتر است و با تحقق تراحم، حرمت تجسس - همانند سایر موارد تراحم - از فعلیت می‌افتد (خرازی، بی تا: ۶۶).

در همین راستا شیخ انصاری در احکام غیبت می‌گوید: «... از روایات پیشین و جز آنها به دست می‌آید که حرمت غیبت به سبب خرده‌گیری از مؤمن و آزار دیدن او از این عیب‌جویی است و هرگاه فرض شود مصلحتی مربوط به غیبت‌کننده، غیبت‌شونده یا فرد سوم وجود دارد که عقل یا شرع این مصلحت را از مصلحت احترام مؤمن (به وسیله ترک آن سخن درباره او) بالاتر بداند، در اینجا لازم است حکم، برابر مصلحت قوی‌تر صادر شود» (انصاری، ۱۴۱۵: ۳۴۲).
محقق ثانی در کتاب جامع المقاصد، پس از تعریف غیبت می‌گوید: «غیبت حرام، عملی است که به قصد هتك حرمت مؤمن یا لذت‌جویی یا خندانیدن مردم انجام گیرد؛ اما آنچه با غرض صحیح صورت می‌گیرد همانند نصیحت کردن مشورت‌خواه، دادخواهی و شنیدن آن، ابطال شهادت شاهدان یا استوار کردن آن، بازداشتن شخصی که مدعی نسبی است که به او تعلق ندارد و بی اثر ساختن گفتار منحرف‌کننده، حرام نیست» (عاملی کرکی، ۱۴۱۴: ۲۷).

از ظاهر کلام شیخ انصاری و محقق کرکی (ثانی) برمی‌آید که در اینجا حکم برداشته شده و موضوع همچنان باقی است؛ اما سخن محقق جای بحث دارد؛ زیرا صرف صحیح بودن

۱. تراحم عبارت است از: عدم امکان جمع بین دو حکم در مقام امثال از باب اتفاق. عدم امکان جمع یا به علت ناتوانی مکلف به جمع بین آن دو در مقام عمل است، چنان‌که غالب موارد تراحم چنین است، یا به علت قیام دلیل خارجی بر عدم اراده جمع بین آن دو.



غرض، در برداشته شدن حرمت کافی نیست، بلکه لازم است تزامم و اهم بودن احراز شود. افزون بر این، عنوان تجسس بر مواردی صادق است که از سنخ جست و جوی عیوب نیست؛ همانند تلاش برای آگاهی از دانش‌های جدید، کنکاش درباره رضایت همگانی از نحوه اجرای امور و عدم آن، کشف نیازهای اجتماعی، یافتن افراد صلاحمند برای واگذار کردن پست‌های مناسب به آنها و نظایر آن (خرازی، بی‌تا: ۶۷).

از سوی دیگر نمی‌توان ادعا کرد آنچه نهی شده، تجسس در امور «مسلمانان» است و به مقتضای جمع میان ادله، کفار و منافقان را شامل نمی‌شود؛ زیرا برابر صحیحۀ ابن ابی یعفر، تجسس در صورتی حرام است که شخص تفتیش شده، پوشاننده عیوب خود باشد؛ پس به مقتضای این صحیحۀ، تجسس در امور کسی که متهم است یا متجاهر (آن که بی‌پروا و آشکارا گناه می‌کند)، حرام نیست؛ از این رو اطلاق سایر روایات با اخباری مانند این صحیحۀ، به تقیید بدل می‌شود (خرازی، بی‌تا: ۶۷) مگر همان‌گونه که امام خمینی بیان کرده‌اند، گفته شود ملتزم شدن به جواز تفتیش متجاهر، محل اشکال است (امام خمینی، ۱۴۱۵: ۴۱۹).

البته شاید بتوان گفت ممکن است سبب اشکال این باشد که «مفهوم» از اطلاق برخوردار نیست؛ زیرا روایت در مقام بیان حکم دیگری (اماره‌های عدالت) است؛ بنابراین از روایت به دست می‌آید که تجسس در امور شخصی که سائر همه عیب‌هایش نیست، فی‌الجمله جایز است؛ زیرا حرمت تفتیش در جایی است که ستر (پوشانیدن) وجود داشته باشد (خرازی، بی‌تا: ۶۸).

با توجه به آنچه گذشت، روش‌های معمول برای کشف جرم، به خصوص تحقیق مالی و شنود محرمانه و بررسی الکترونیک با قاعده فقهی «منع تجسس» در تعارض قرار می‌گیرد؛ بنابراین لازم است بررسی شود که آیا همان‌گونه که در بسیاری کشورها به‌رغم پذیرش ممنوعیت تجسس، در مواردی که مصلحت مهم‌تری ایجاب می‌کرده (نظیر جرایم علیه امنیت) آن را تعدیل کرده‌اند، در نظام حقوقی ما نیز می‌توان از منابع فقهی مستمسکی برای تعدیل این قاعده یافت یا خیر؟ این مهم در ادامه، ذیل قاعده «اهم و مهم» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بند دوم: قاعده اهم و مهم

یکی از قواعد فقهی که رابطه تنگاتنگی با قاعده منع تجسس و تجاوز به حریم خصوصی دارد، قاعده اهم و مهم است. مفاد این قاعده به طور مختصر تقدم امر اهم بر امر مهم است (شیرازی، ۱۴۱۳: ۲۱۰).

در واقع یکی از «جهاتی که به اسلام امکان انطباق با مقتضیات زمان می‌دهد، جنبه عقلانی دستورهای این دین است. اسلام به پیروان خود اعلام کرده است که همه دستورهای او ناشی از يك سلسله مصالح عالیه است و از طرف دیگر در خود اسلام درجه اهمیت مصلحت‌ها بیان شده است. این جهت، کار کارشناسان واقعی اسلام را در زمینه‌هایی که مصالح گوناگونی در خلاف جهت یکدیگر پدید می‌آیند، آسان می‌کند. اسلام اجازه داده است که در این‌گونه موارد کارشناسان اسلامی درجه اهمیت مصلحت‌ها را بسنجند و با توجه به راهنمایی‌هایی که خود اسلام کرده است، مصلحت‌های مهم‌تر را انتخاب کنند» (مطهری، بی‌تا، ج ۱۹: ۱۲۲).

همچنین گفته‌اند: «ممکن است در زمان یا مکانی حکمی وجود داشته باشد؛ ولی با گذشت آن زمان یا تغییر آن مکان، عنوانی بر آن عارض شود که سبب تغییر حکم گردد. در مثال معروف «تحریم تنباکو» که به وسیله فقیه بزرگ اسلامی، میرزای شیرازی انجام گرفت، ملاحظه می‌کنیم که در شرایط عادی استفاده از تنباکو به نظر این فقیه بزرگوار مجاز بود؛ ولی هنگامی که انحصار آن به دست يك شرکت انگلیسی می‌افتد و آن را مقدمه‌ای برای سلطه اقتصادی بر يك کشور اسلامی قرار می‌دهد، مجاز بودن تحت الشعاع و جوب حفظ استقلال اقتصادی کشورهای اسلامی قرار می‌گیرد و حکم آن مبدل به تحریم می‌شود. این زمان می‌گذرد و بر اثر استقبال عظیم مردم از حکم آن فقیه، شرکت انگلیسی و حکومت وقت مجبور می‌شوند آن را منحل سازند و در شرایط جدید، همان فقیه حکم به اباحه و جواز می‌دهد. در واقع عناوین اهم که با تغییر زمان یا مکان به وجود می‌آید عناوین مهم را کنار می‌زند و حکم را به خود اختصاص می‌دهد. همچنین در شرایط فعلی که آمریکا با تمام قدرت به حمایت از اسرائیل و ضربه زدن به کشورهای اسلامی برخاسته، بسیاری از فقهای اسلامی حکم به تحریم خرید و فروش مصنوعات آمریکایی داده‌اند، زیرا هدف مهم‌تری، عنوان اولی جواز را تحت الشعاع قرار داده است و اگر روزی اوضاع برگردد، ممکن است این حکم نیز به تغییر شرایط، تغییر کند» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۲۷۸-۲۷۹).



همچنین آمده است: «ترجیح حق اهم بر حق مهم در موارد تراحم حقوق يك اصل عقلی و عقلایی است که همه انسان‌ها و جوامع- تابع هر دین و مسلک و مکتبی که هستند- آن را مورد توجه و عمل قرار می‌دهند» (منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۲۹: ۷۸). در ادامه طی دو مبحث مجزا، مفاد و ادله قاعده اهم و مهم طرح و بررسی می‌شود.

۱. مفاد قاعده

«این قاعده مفید مقدم کردن آن دسته از واجبات و تکالیفی است که در نظر شارع مقدس یا در نظر عقل، از واجب دیگر مهم‌تر است، در صورت دوران امر میان اطاعت آنها. توضیح آنکه گاهی مکلف در مقام امتثال امر شارع و ادای وظیفه شرعی با دو تکلیف واجب روبه‌رو می‌شود که وجوب هر دو امر در حق وی به صورت وجوب فعلی است؛ اما وی نمی‌تواند قدرت خود را صرف انجام هم‌زمان این دو تکلیف کند؛ یعنی توانایی انجام هم‌زمان این تکالیف را ندارد؛ لذا چاره‌ای ندارد که یکی از این تکالیف را ابتدا انجام دهد و سپس دیگری را» (مازندرانی، ۱۴۲۵: ۱۸۳) (در صورت امکان). به بیان دیگر، تراحم عبارت است از عدم امکان جمع بین دو حکم در مقام امتثال از باب اتفاق. عدم امکان جمع یا به علت ناتوانی مکلف به جمع بین آن دو در مقام عمل است؛ چنان که غالب موارد تراحم چنین است، یا به علت قیام دلیل خارجی بر عدم اراده جمع بین آن دو. از این عنوان در اصول فقه بحث شده است. در مواردی که نسبت بین دو حکم متزاحم، اهم و مهم است، عمل به حکم اهم بر مکلف متعین است و چنانچه از این حیث با یکدیگر مساوی باشند، حکمی که به لحاظ ظرف امتثال، زمانش جلوتر است، به حکم عقل مقدم خواهد بود، مانند نماز ظهر و عصر که هر دو بر مکلف واجب است؛ اما در فرضی که وی تنها بر انجام دادن یکی از آن دو قدرت دارد، نماز ظهر به لحاظ تقدم زمانی بر نماز عصر، مقدم می‌شود. در غیر این صورت، مکلف به حکم عقل در امتثال هر يك از دو حکم مخیر است (شاهرودی، ۱۴۲۶: ۴۵۶).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، این قاعده در خصوص تراحم تکالیف، تعیین تکلیف می‌کند. اصولیان برای بیان ملاک اهمیت، وجوهی ذکر بیان کرده‌اند، از جمله:

۱. یکی از دو حکم به لحاظ مدت زمان انجام آن، مضیق و دیگری موسع باشد، مانند تراحم امر به نماز در اول وقت با امر به ازاله نجاست از مسجد که وقت اولی وسیع و دومی،



ضیق و فوری است. در این صورت، در مقام عمل، حکم مضیق بر حکم موسّع مقدم می‌شود.

۲. امر یکی معین و امر دیگری مخیر باشد، مانند کسی که نذر کرده برده مؤمنی را آزاد کند و نذرش محقق شده است و به علت افطار عمدی روزه ماه رمضان کفاره نیز بر عهده‌اش آمده است؛ در حالی که موجودی وی تنها يك برده مؤمن است. در این صورت امر معین یعنی وفای به نذر بر امر مخیر یعنی کفاره مقدم است؛ از این رو، برده را برای ادای نذر آزاد می‌کند و کفاره را از سایر خصال آن- دو ماه روزه یا اطعام شصت فقیر- می‌پردازد.

۳. یکی از دو حکم، بدل داشته و دیگری بدل نداشته باشد، مانند کسی که برای نماز باید وضو بگیرد یا غسل کند. از سوی دیگر، لباس او نیز نجس است. در حالی که آبی که در اختیار دارد تنها کفاف یکی از آن دو- وضو یا غسل و شستن لباس- را می‌دهد. در این صورت شستن لباس که بدل ندارد مقدم بر غسل یا وضو است که تیمم بدل از آن دو است. قانون کلی در تقدیم یکی از دو حکم متزاحم بر دیگری، اولویت داشتن آن- به لحاظ حفظ و تقدیم- نزد شارع است. اولویت نیز یا از ادله فهمیده می‌شود یا از مناسبت حکم و موضوع یا از راه شناخت ملاک‌های احکام که شارع بیان کرده است، مانند موارد تزاحم بین حق الناس و حق الله؛ بین واجب رکنی و غیر رکنی در عبادت همچون رکوع و قرائت و نیز بین ایجاد آشتی میان مؤمنان با دروغ گفتن و راست‌گویی منجر به بروز فتنه و فساد که در هر سه مورد، اولی بر دومی مقدم می‌شود (شاهرودی، ۱۴۲۶: ۴۵۷-۴۵۶).

برای موارد رخصت در موارد وجود غرض اهم، مصادیق متعددی بیان شده است؛ برای مثال شیخ انصاری درباره استثنائات غیبت به دلیل وجود غرض مهم‌تر مثال‌های زیر را ذکر می‌کند: (انصاری، ۱۴۱۵، ج: ۱، ۳۱۵ به بعد)

۱. نصح مستشیر؛
 ۲. استفتا؛
 ۳. قصد منع شخص غیبت‌کننده از فعل منکری که مرتکب می‌شود؛
 ۴. جرح شهود؛
 ۵. دفع ضرر از شخصی که از وی غیبت می‌شود و نظایر آن.
- در مواردی از این دست، همان‌گونه که مشخص است، چون غرضی که به دنبال تحقق آن هستیم مصالحی بیش از غیبت نکردن مؤمن دارد و عدم حصول آن، مفسد بسیاری به بار می‌آورد، غیبت که امری است فاسد، مجاز شمرده می‌شود.



علاوه بر مواردی که گذشت و بیشتر جنبه محدود و فرد به فرد دارد، برخی (خلخالی، ۱۴۲۵: ۱۲۰-۱۲۱) مصالح را در سطح کلی تر و در سطح جامعه نیز مطرح کرده‌اند و معتقدند شکی نیست که تراحم بین منافع و مصالح در حیات اجتماعی امری گریزناپذیر است. یک اجتماع انسانی هم افراد ضعیف دارد و هم افراد قوی و صاحبان شهرت و مواهب و به لحاظ عقلی و نفسی مختلف‌اند و افراد قوی‌تر دائم سعی در بهره‌برداری از هر چیز دارند و از همین باب است که تراحم در مصالح به وجود می‌آید و لاجرم منشأ برخورد منافع در اجتماع می‌شود. قانونی که در این مورد امکان استفاده از آن وجود دارد همان قانون «اهم و مهم» است که به مقتضای آن لازم است اهم بر مهم مقدم شود. بر این اساس اگر تراحم میان مصالح اکثریت و اقلیت باشد، مقدم کردن مصالح اکثریت واجب است زیرا رعایت حال اکثریت مهم‌تر از اقلیت است. پس مثلاً برای رعایت مصلحت اکثریت، واجب است مواد غذایی با قیمت نازل عرضه شود ولو این امر به مصلحت اقلیت زیان برساند و این مهم، یک امر عقلی و شرعی است. شاهد مثال این امر نیز نامه امیرالمؤمنین (ع) به مالک اشتر (ره) است که می‌فرماید: «وَ لِيَكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ وَ أَعْمَقُهَا فِي الْعَدْلِ وَ أَجْمَعُهَا لِرِضَى الرَّعِيَّةِ فَإِنَّ سُخْطَ الْعَامَّةِ يُجْحِفُ بِرِضَى الْخَاصَّةِ وَ إِنَّ سُخْطَ الْخَاصَّةِ يُغْتَفَرُ مَعَ رِضَى الْعَامَّةِ» (سید رضی، ۱۴۱۴: ۳۶۸): «باید دوست‌داشتنی‌ترین چیزها نزد تو، در حق میانه‌ترین و در عدل فراگیرترین و در جلب رضایت مردم گسترده‌ترین باشد که همانا خشم عمومی مردم، رضایت خواص را از بین می‌برد؛ اما خشم خواص را رضای عامه بی‌اثر می‌کند».

حضرت امیر (ع) با آنکه به مالک اشتر پیروی از عدل را وصیت کرده است، در همان حال جمع آن را با رضایت مردم می‌خواهد.

از جمع بین این دو امر، رعایت حق و رعایت اکثریت مردم، به نتیجه دیگری می‌رسیم که همان مقدم کردن مصالح عامه بر مصالح خاصه و مصالح اقلیت در موارد تراحم است. به دلیل اهمیت اکثریت و نیز به این دلیل که در هر اجتماع، آنچه اجتماع را شکل می‌دهد همان اکثریت مردم است، لازم است اقلیت از اکثریت پیروی کنند و شک نیست که اقلیت نیز در ضمن اکثریت منتفع خواهند شد.



۲. ادله قاعده

در این خصوص گفته‌اند ادله چهارگانه بر این قاعده دلالت دارند (شیرازی، ۱۴۱۳: ۱۴۱).
ادله مذکور به صورت خلاصه به این شرح است:

الف) کتاب

در این زمینه به قضیه سوراخ کردن کشتی در سوره کهف و نیز آیه ۳۳ سوره زخرف استناد شده است (شیرازی، ۱۴۱۳: ۱۴۱)؛ اما برخی فقها بیان می‌دارند که در آیات قرآنی آنچه بر این قاعده دلالت کند، نیافته‌اند جز برخی آیات که به صورت التزامی به این مهم اشعار دارند (مازندرانی، ۱۴۲۵، ج ۳: ۱۹۰) نظیر آیه ۱۰۵ سوره مانده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْنَا أَنْفُسُكُمْ، لَا يَصُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ»: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مواظب خودتان باشید. اگر هدایت یابید، آن که گمراه‌شده به شما زیان نخواهد رساند». وجه اشعار این آیه بر مورد بحث آن است که این آیه ظهور دارد در مقدم کردن حفظ نفس از معاصی بر هدایت دیگران در صورت دوران امر بین این دو (مازندرانی، ۱۴۲۵، ج ۳: ۱۹۰).

ب) روایات

برای این قاعده به روایات نیز استناد شده است که برای نمونه یکی از آنها نقل می‌شود. از جمله این روایات، فرمایش حضرت امیر(ع) خطاب به خلیفه دوم است زمانی که خلیفه دوم قصد داشت شخصاً به جنگ برود که حضرت به ایشان فرمودند: «وَمَا كَانَ الْقَيْمُ بِالْأَمْرِ مَكَانَ النَّظَامِ مِنَ الْخَرْزِ يَجْمَعُهُ وَيَضُمُّهُ فَإِذَا انْقَطَعَ النَّظَامُ تَفَرَّقَ وَذَهَبَ ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِحَدِّفِيرِهِ أَبَدًا» (سید رضی، ۱۴۱۴: ۱۶۴-۱۶۵): «جایگاه زمامدار امور جایگاه بند تسبیح نسبت به دانه‌هاست که آنها را جمع‌آوری و به یکدیگر ضمیمه می‌کند. پس هنگامی که بند تسبیح بگسلد، دانه‌ها متفرق و هر یک به گوشه‌ای پراکنده می‌شوند و دیگر هرگز نمی‌توان اطراف آنها را جمع‌آوری کرد» (منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۰۹: ۳۰۸-۳۰۹). این روایت مهم بودن حفظ جان رهبر را بیان می‌کند؛ زیرا با وجود رهبر، سایر امور نیز انتظام خواهد داشت و در نبود وی، انتظام امور از بین می‌رود (مازندرانی، ۱۴۲۵، ج ۳: ۱۹۳ به بعد).



ج) عقل

در این خصوص آمده است که عقل به مقدم بودن آنچه در نظر شارع مهم‌تر است حکم می‌کند و این امر از آن روست که عقل هنگامی که اهمیت یک امر واجب را نسبت به واجب دیگر نزد شارع بداند و احراز کند، به خاطر بجا آوردن حق عبودیت و مولویت و حفظ مؤمن از عقاب اخروی محتمل، مستقلاً به مقدم بودن امر مهم‌تر و وجوب اطاعت آن حکم می‌دهد (مازندرانی، ۱۴۲۵، ج ۳: ۱۸۰).

د) اجماع

اگرچه برای این قاعده به ادله چهارگانه استناد شده و یکی از این ادله اجماع است، اما این دلیل نیازمند بررسی مجزا نیست؛ زیرا حتی در صورت تحقق اجماع، نظر به مدرکی بودن آن، دلیل مستقل محسوب نمی‌شود.

بند سوم: مسئله نظارت بر کارگزاران نظام

در خصوص جمع کردن قاعده مطرح شده با مسئله نظارت بر کارگزاران نظام باید گفت اصولاً عمده‌ترین دلیل برای خروج برخی مصادیق از دایره شمول منع تجسس، موارد مشمول قاعده اهم و مهم است؛ یعنی هر گاه نیل به یک مقصود از نظر شرعی مهم‌تر از منع تجسس باشد، حکم به جواز و بلکه وجوب تجسس می‌شود. در این زمینه تحقیق مستقلی صورت گرفته است و برخی محققین موارد متعددی را ذیل عنوان «تجسس مشروع» مورد بررسی قرار داده‌اند (حائری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۹۴) که به اختصار مطرح و بررسی می‌شوند.

مواردی که به عنوان «تجسس مشروع» بررسی شده‌اند عبارت‌اند از:

۱. تجسس و تفحص در امر ازدواج؛
۲. تجسس و تفحص از کودک و نوجوان توسط ولی او؛
۳. تجسس و تفحص در اطراف چیزی که افشای آن جایز است.
۴. تجسس مغیبا به انگیزه و غرض شرعی و عقلایی صحیح؛
۵. تجسس در مورد امام جماعت؛
۶. تجسس در مقام ادای تکلیف واجب نصیحت؛

۷. تجسس از کسی که خود ساتر عیوب و اسرار و گناهانش نیست.

۸. تجسس برای حفظ عرض و آبروی افراد؛

۹. تجسس برای تعیین وصی، قیم و وکیل در امور اولاد؛

۱۰. تجسس، تفقّد و تفحص حاکم و حکومت اسلامی؛

۱۱. تجسس از دشمن؛

۱۲. تجسس برای جلوگیری از ضرر (تعارض تجسس با قاعده لاضرر).

روشن است همه موارد مذکور با بحث حاضر ارتباطی ندارد؛ از میان موارد یادشده، تجسس مغیّباً به انگیزه و غرض شرعی و عقلایی صحیح و تجسس برای جلوگیری از ضرر با بحث حاضر مرتبط هستند؛ اما به طور خاص بحث تجسس توسط حاکم و حکومت اسلامی (تجسس در مورد امور تجسس از احوال محرومان و افراد جامعه اسلامی، تجسس برای گزینش کارگزاران حکومت اسلامی و تجسس از احوال و اعمال کارگزاران در مناصب حکومتی) (حائری و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۱۵ به بعد) با بحث حاضر ارتباط دارد.

باید توجه کرد که حمل افعال دیگری بر صحت، ناظر بر روابط افراد جامعه با یکدیگر است. در روابط حاکم اسلامی و کارگزارانش اصولاً حاکم اسلامی نباید اصل را بر صحت عمل کارگزارانش بگذارد. این مهم از سیره پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) در قبال کارگزاران‌شان استنباط می‌شود؛ زیرا وقتی معصوم (ع) بر کارگزاران خود جاسوس می‌گمارد تا از رفتار و احوال وی خبر بگیرد و به معصوم اطلاع دهد، روشن است که رفتارهای وی را از پیش صحیح فرض نکرده است. حمیری در کتاب *قرب الإسناد* نقل کرده است: «حدثني الريان بن الصلت قال: سمعت الرضا عليه السلام يقول: «كان رسول الله -صلى الله عليه وآله- إذا وجّه جيشاً فاتهم اميراً، بعث معه من ثقاته من يتجسس له خبره» (الحميري، بی تا: ۴۳۲): «امام رضا (ع) فرموده اند: «پیامبر اکرم هنگامی که لشکری گسیل می‌نمود، همراه فرمانده فرد مطمئن می‌فرستاد تا برای پیامبر در کارهای فرمانده تجسس کند»؛ زیرا یکی از مهم‌ترین وظایف حکومت اسلامی، کسب اطلاع از عملکرد مسئولان و کارگزاران حکومتی و نظارت بر نحوه رفتار و اعمال آنان است تا از این طریق اطمینان حاصل شود که وظایف واگذار شده به مسئولان به درستی انجام می‌شود یا مسئول مزبور از قدرت و اختیار خود سوءاستفاده نمی‌کند. این امر موجبات پیشگیری از ظلم و فساد مسئولان و کارگزاران را فراهم می‌کند.



در سیره حضرت علی (ع) نیز همین امر برداشت می‌شود. در نامه ۵۳ نهج البلاغه (نامه معرف امیرالمؤمنین به مالک اشتر) به مالک توصیه فرموده‌اند که برای کارگزاران خود مراقب ارسال کن. در این نامه آمده است: «رفتار کارگزاران را بررسی کن و جاسوسانی راستگو، و وفایشه بر آنان بگمار، که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان، سبب امانت‌داری، و مهربانی با رعیت خواهد بود. و از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن، و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد، و گزارش جاسوسان تو هم آن خیانت را تأیید کرد، به همین مقدار گواهی قناعت کرده او را با تازیانه کیفر کن، و آنچه از اموال که در اختیار دارد از او بازپس گیر، سپس او را خوار دار و خیانتکار بشمار، و طوق بدنامی به گردنش بیفکن» (سید رضی، ۱۴۱۴: ۳۷۴-۳۷۵).

به نظر می‌رسد حضرت علی (ع) شخصاً نیز جاسوسان و افرادی داشته‌اند که از والیان و کارگزاران حضرت در بلاد مختلف تجسس می‌کردند؛ زیرا می‌بینیم که برخی از والیان را به نحوی که مناسب ظاهر حال آنان نبوده است مورد عتاب قرار داده‌اند (سبحانی، بی‌تا: ۵۴۴). برای مثال در نامه حضرت به عثمان بن حنیف (عامل بصره) آمده است: «یا ابن حنیف، فقد بلغنی أنّ رجلاً من فتية أهل البصرة دعاك إلى مأذبة فأسرعت إليها تستطاب لك الألوان، وتُنقل إليك الجفان، وما ظننت أنك تُجيب إلى طعام قوم عائلهم مجفوّ وغنيهم مدعوّ» (سید رضی، ۱۴۱۴: ۳۸۵): «ای پسر حنیف، به من گزارش دادند که مردی از سرمایه‌داران بصره تو را به مهمانی خویش فرا خواند و تو به سرعت به سوی او شتافتی. خوردنی‌های رنگارنگ برای تو آوردند، و کاسه‌های پر از غذا پی در پی جلوی تو نهادند. گمان نمی‌کردم مهمانی مردمی را بپذیری که نیازمندان‌شان با ستم محروم شده، و ثروتمندان‌شان بر سر سفره دعوت شده‌اند». برخی معتقدند واژه «بلغنی» به معنی «به من گزارش داده‌اند» مفید این است که آنجا کسی بوده است که این اطلاعات مرتبط با والیان را به حضرت ابلاغ می‌کرده است (سبحانی، بی‌تا: ۵۴۴).



نتیجه‌گیری

نتایج نوشتار حاضر به شرح زیر است:

الف) حکم اولیه و قاعده اصلی آن است که تجاوز به حریم خصوصی افراد جامعه ممنوع است. این ممنوعیت دارای جنبه شرعی است و در قرآن و سنت بر ممنوعیت تجسس در امور دیگران تأکید شده است. این ممنوعیت در حقوق کشورهایی که مسئله قانون از احکام شرعی پیروی نمی‌کند نیز وجود دارد. در این کشورها با توجه به لزوم رعایت حقوق شهروندی و حریم خصوصی افراد، تجسس در امور دیگران ممنوع شده است.

ب) حکم اولیه مربوط به شرایط عادی است؛ بنابراین هر گاه مصلحت مهم‌تری از مصلحت موجود در حکم اولیه وجود داشته باشد، مصلحت مهم‌تر مقدم می‌شود و حکم اولیه به اجرا در نمی‌آید. مثال بارز این امر دروغ گفتن برای حفظ جان مؤمن است. دروغ به عنوان حکم اولیه دارای حرمت است، اما از آنجا که حفظ جان مؤمن دارای مصلحتی بالاتر از دروغ نگفتن است، دروغ گفتن برای حفظ جان مؤمن جایز است.

ج) حرمت فقهی تجسس در امور دیگران یک حکم اولیه است که چنانچه با مصلحت مهم‌تری نظیر حفظ نظام یا حفظ مقبولیت نظام در تعارض قرار گیرد، مصلحت مذکور به موجب «قاعده اهم و مهم»، مقدم بر ممنوعیت تجسس می‌شود و نتیجه‌اش این است که نظارت نامحسوس بر کارگزاران نظام امری مجاز و بلکه لازم خواهد بود.



منابع فارسی و عربی

- ابن منظور، ابو الفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، ج ۶، لبنان، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
- ابو الحسین، احمد بن فارس بن زکریا (۱۴۰۴)، معجم مقائیس اللغه، ج ۱، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- انصاری، باقر (۱۳۸۳)، «حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۶۶.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵)، کتاب المکاسب، ج ۱، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- حائری، محمدحسن، احسان علی اکبری بابوکانی و نصرالله شاملی (۱۳۹۱)، تجسس: مجموعه مفاهیم بنیادین علوم انسانی اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، ج ۱۲، قم: مؤسسه آل‌البتیت (علیهم السلام).
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، ج ۱۵، قم: مؤسسه آل‌البتیت (علیهم السلام).
- الحمیری، اَبی‌العباس عبد‌الله بن جعفر (بی‌تا)، قرب الإسناد، قم: مؤسسه آل‌البتیت - علیهم السلام - لإحياء التراث.
- خرازی، سید محسن (بی‌تا)، «کاوشی در حکم فقهی تجسس»، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، ج ۲۶، قم: مؤسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام).
- خلخالی، سید محمد مهدی موسوی (۱۴۲۵)، الحاکمیه فی الإسلام، قم: مجمع اندیشه اسلامی.
- سبحانی، جعفر (بی‌تا)، مفاهیم القرآن، ج ۲، قم: مؤسسه الامام الصادق (علیه السلام).
- سید رضی، محمد (۱۴۱۴)، نهج البلاغه، اول، قم: مؤسسه نهج البلاغه.
- شهباز فرخی، سجاد و مصطفی مسعودیان (۱۳۹۱)، «حمایت از حریم خصوصی اشخاص از منظر آیات و روایات»، دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، س ۳، ش ۲.
- شیرازی، سید محمد حسینی (۱۴۱۳)، الفقه، القواعد الفقهیة، بیروت: مؤسسه امام رضا (علیه السلام).
- عاملی کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین (۱۴۱۴)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ج ۴، قم: مؤسسه آل‌البتیت (علیهم السلام).

- القارطبی، ابی عبدالله محمد بن احد الانصاری (۱۴۰۵)، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۶، بیروت: چاپ داراحیاء التراث.
- مازندرانی، علی اکبر سیفی (۱۴۲۵)، مبانی الفقه الفعال فی القواعد الفقهیه الأساسیه، ج ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مشکینی، میرزا علی (۱۴۱۶)، اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها، قم: نشر الهادی.
- مطهری، مرتضی (بی تا)، فقه و حقوق (مجموعه آثار)، ج ۱۹، قم.
- مطهری، مرتضی (بی تا)، فقه و حقوق (مجموعه آثار)، ج ۲۱، قم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷)، دائره المعارف فقه مقارن، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
- منتظری نجف آبادی، حسین علی (۱۴۰۹)، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه محمود صلواتی و ابوالفضل شکوری، ج ۱، قم: مؤسسه کیهان.
- منتظری نجف آبادی، حسین علی (۱۴۲۹)، مجازات های اسلامی و حقوق بشر، قم: ارغوان دانش.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۱۵)، المکاسب المحرمه، ج ۱، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره).
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۱۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود و دیگران (۱۴۲۶)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم السلام)، ج ۲، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام).

منابع انگلیسی

- Solove, Daniel (2002), Conceptualizing Privacy, California Law Review.
- Westin, Alan (1968), Privacy and Freedom, Atheneum, New York.

